

A Sociological Explanation of Behavioral Models and Consultations in Imam Ali' (PBUH)'s Conduct

Fatemeh Janahmadi*

Furuzan Ahmadi**

Abstract

The representation of Imam Ali (PBUH)'s conduct in historical sources has distinguished and unique aspects that reveal the breadth of his consistent and firm character as a role model and paragon for Muslim societies. Despite his unparalleled gallant military character at the time of battles and jihads against infidels and hypocrites, in his community and family he was amiable, peaceful and kind, relying on rationality and gumption. Although historical sources have said a lot about Imam Ali (PBUH)'s military conduct, what distinguishes him as an outstanding ruler and caliph from his contemporaries is the perfection of his rationality when politics and diplomacy were concerned, as evidenced by a variety of his political and cultural negotiations and consultations from which his rational character in adopting governmental strategies can be inferred. Throughout the history these behavioral models have set examples of social strategy for Shiites. Accordingly, the present article aims to study some aspects of Imam Ali (PBUH)'s consultations during his caliphate, which, in spite of its shortness, enjoyed as much profundity as time enjoys infinity. The research questions of this study are as follows. What are the aspects of Imam Ali (PBUH)'s negotiations during his caliphate as behavioral models in politics? What are the target groups for political consultations from the viewpoint of Imam Ali (PBUH)? And what are the results of his

* Professor of History of Islam, Department of History, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author), F.janahmad@modares.ac.ir

** M.A History of Islam, Department of History, Faculty of Literature, al-Zahra University, Tehran, Iran, furuzan.ahmadi@yahoo.com

Date received: 23/04/2023, Date of acceptance: 24/05/2023



cultural strategies in his political relations? This study has been conducted based on historical, descriptive and analytic studies, using historical sources and Imam Ali (PBUH)'s writings.

Keywords: Imam Ali (PBUH), behavioral model, Imam Ali's conduct, consultation, negotiation.



تبیین جامعه‌شناختی الگو رفتارها و هم‌رایزنی در سیره علوی

فاطمه جان احمدی*

فروزان احمدی**

چکیده

بازنمود سیره حضرت امیر (ع) در منابع تاریخی دارای وجوه ممتاز و ابعاد بی نظیری است که نمایانگر وسعت شخصیت با ثبات و پایدار وی، به‌عنوان الگو و اسوه جوامع مسلمان است. در کنار شخصیت بی بدیل نظامی به‌هنگام غزوه و جهاد با کفار و منافقین، شجاع و دلیر، و در صحنه اجتماع و خانواده نرم‌خو، صلح‌جو و مهربان متکی بر عقل و درایت بود. گرچه منابع از منش نظامی امام‌علی (ع) بسیار گفته‌اند، اما آنچه امام را از هم‌عصرانش به‌عنوان یک حاکم و خلیفه‌ی سرآمد، ممتاز می‌کند، برخورداری از کمال عقل در کارویژه‌های سیاسی و دیپلماسی است. چنانکه در سیره سیاسی و فرهنگی حضرت مجموعه‌ای از مذاکرات و هم‌رایزنی‌های سیاسی و فرهنگی وجود دارد که می‌توان از خلال آنها به شخصیت والا و عقلانی ایشان در اتخاذ راهبردهای حکومتی دست یافت. در طول تاریخ این الگو رفتارها به مثابه راهبردهای اجتماعی سرمشق شیعیان بوده است. بر این اساس خواست مقاله حاضر مطالعه ابعاد هم‌رایزنی‌های امام‌علی (ع) در خلال خلافت هر چند کوتاه مدیت اما عمیق و پر دامنه ایشان است. این مقاله می‌خواهد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که: ابعاد مذاکرات امام‌علی (ع) به‌عنوان الگو رفتارهای سیاسی در خلال خلافت ایشان چه بوده است؟ گروه‌های هدف هم‌رایزنی‌های سیاسی از منظر امام‌علی کدامند؟ و نتایج راهبردهای فرهنگی در مناسبات سیاسی ایشان

* استاد، تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
f.janahmadi@modares.ac.ir

** کارشناسی ارشد، تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران،
furuzan.ahmadi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳



چیست؟ این پژوهش برپایه مطالعات تاریخی، توصیفی و تحلیلی متکی بر منابع تاریخی و با استناد به مکتوبات امام علی (ع) در نهج البلاغه تدوین و تنظیم شده است.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، الگو رفتار، سیره علوی، هم‌ایزنی، مذاکره.

۱. مقدمه

سیره و زندگی اجتماعی امام علی علیه السلام مملو از رخدادها و رویدادهایی است که هر یک می‌تواند منشأ تعیین‌کننده‌ای برای اخذ الگو رفتارهای اجتماعی و مدیریتی باشد. همین مجموعه رفتارهای اجتماعی و کنش‌های راهبردی امام علی (ع) اسباب نگارش گونه‌های تاریخ نویسی متداولی چون مناقب در میان اهل سنت و شیعه شده است. نمونه کم‌بدیل مناقب علی (ع) در میان اهل سنت کتاب مناقب علی بن ابی طالب و ما نزل من القرآن فی علی یا مناقب ابن مردویه است. علاوه بر این کتاب، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، تألیف ابوالحسن علی بن محمد جلابی معروف به ابن مغزلی (متوفای ۴۸۳ق) است که در میان فقیهان، متکلمان شیعه مخاطبان فراوانی دارد و بارها مستند کسانی چون ابن بطریق (۵۲۳-۶۰۰ق) فقیه، متکلم، محدث و ادیب امامی قرن ششم هجری قمری در خصائص و هم‌چنین علی بن عیسی هکاری (۶۲۰ یا ۶۲۵-۶۹۲ق)، مشهور به بهاء‌الدین اربلی محدث، مورخ، ادیب و شاعر شیعه قرن هفتم در کتاب فاخر کشف الغمّة فی معرفة الأئمة و نیز سید علی بن موسی بن جعفر بن طاووس مشهور به سید ابن طاووس (۵۸۹-۶۶۴ق) از عالمان شیعه قرن هفتم هجری، در مجموعه آثارش بویژه در سه کتاب الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة فی السنة و هم چنین کتاب سعّد السّعود و کتاب الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف بارها بهره‌جسته است افزون بر ایشان علامه حلّی (۶۴۸-۷۲۶ق) فقیه و متکلم شیعه قرن هشتم هجری در کتاب نهج الحق و کشف الصدق و علامه محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق) معروف به علامه مجلسی از محدثان و فقیهان قرن یازدهم هجری در بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام بارها به کتاب ابن مغزلی استناد داده‌اند. وجود این مجموعه‌های فاخر و تواتر استناد به آثاری از این دست، بیانگر نیاز جامعه مسلمان برای خوانش سیره و الگوگیری از فضایل اخلاقی و راهبردهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و حتی راهبردی‌های نظامی علی بن ابی طالب (ع) است.

در میان مطالعات موجود، تمرکز بر موضوع مذاکره، گفتگو و مشاوره یا هم‌ایزنی‌های سیاسی امام علی (ع) نزد نویسندگان این مقاله به دلیل تاثیرگذاری بر فرایندهای اجتماعی مهم

بوده است چه‌بسا رفتارهای سیاسی امام (ع) و انطباق آن با گفتار و کردارشان در عرصه سیاست و فرهنگ در عصری که باز نمود حقیقت دشوار می‌نموده است، می‌توانسته در بازنمایی راهبردهای خلیفه‌ای که ادعای جانشینی و میراث‌بری او شیعه را از دیگر جریان‌های موجود آن عصر جدا نموده و جریان علوی - فاطمی را در بر نهاد سیاست و قدرت برکشیده و فرهنگی بالنده را برای تشیع فاطمی - علوی در فراخنای تاریخ ایجاد کرده‌است، مهم جلوه نماید. بی‌تردید آنچه علی (ع) را از معاصرانش و مدعیان خلافت متمایز می‌کند نه تنها سیاست و فرهنگ اصیل و ناب اسلامی متمایز او بود، بلکه راهبردهای اجتماعی، کاربست عقلانیت در اتخاذ تصمیم‌های بزرگ چون عزل و حذف و طرد حاکمان اموی - قرشی شناخته شده‌ای بود که در عصر خلیفه سوم قد افراشته بودند و اسباب دور شدن جامعه اسلامی را از محورهای قرآنی و نبوی فراهم کرده بودند. نصب‌های کارگزاران توانمند او نیز در تقویت گفتمان اقتداربخش او نیز موثر بود. به هر ترتیب از آنجا که یکی از ابزارهای راهبردی امام علی (ع) کاربست هم‌رایزی، مشاوره و مذاکره سیاسی و فرهنگی است و این مجموعه الگو رفتارهای پذیرفته شده شیعیان بوده اند، لذا مقرر است در این پژوهش، ابعاد مذاکره و هم‌رایزی در سیره امام علی (ع) به مثابه الگوریتم‌های رفتاری اجتماعی کاویده شود و مولفه‌های آن به‌منظور الگوسازی کارکردی - اجتماعی راهبران سیاسی که دعوی تشیع داشته اند معرفی گردد.

۲. تعاریف و چهارچوب شناخت الگوریتم رفتاری در سیره علی (ع)

در تعاریف مرسوم رفتار را می‌توان «اعمال قابل مشاهده» تعریف کرد که معمولاً در پاسخ به یک محرک درونی یا بیرونی صورت می‌گیرد. در این تعریف آنچه مورد توجه است اینکه نخست باید این رفتارها و اعمال قابل مشاهده باشند و طبعاً مواردی چون فکر کردن، قضاوت کردن در این تعریف نمی‌گنجد دوم این‌که رفتارهای اجتنابی مانند سکوت یا عمل نکردن در برابر کنش‌های اجتماعی هم نوعی رفتار محسوب می‌شوند که می‌تواند رفتار متقابل هم نامیده شود. بدین ترتیب متخصصان رفتارشناسی پرشماری از رفتارها را شناسایی کرده اند که برخی از آنها اجتماعی و بسیاری از آنها فردی قلمداد می‌شوند. آنچه در این مقاله مورد نظر است رفتارهای اجتماعی امام علی (ع) است که در طی دوره خلافتشان در برابر محرک‌های سیاسی و فرهنگی بروز نموده است و توانسته به عنوان الگو رفتارهای اجتماعی شیعیان شناخته شود.

اگر مقرر باشد تعریفی قابل قبول در سطح موضوع این مقاله از الگوریتم رفتاری که منحصر در روش حل یک مساله و یا موضوع است، ارائه شود این‌که، الگوریتم رفتاری بخشی از

واکنش سیاستمداران و راهبران فکری و دولتمردان و یا حکمرانان یک جامعه است که در شرایط مختلف از آنها سر می‌زند. الگوریتم‌های ارادی و غیرارادی در صورت ترکیب استعداد ژنتیکی و آموزه‌های اجتماعی و تربیتی (اکتسابی) می‌تواند با به‌کارگیری مبانی قدرت و اقتدار کاریزماتیک، ضمن حل مسئله‌های سیاسی و اجتماعی آن را اصلاح و یا بهبود بخشد. در این صورت روانشناسان اجتماعی ریشه‌های این الگوریتم‌ها را ژنتیک و اکتساب یا ترکیبی از این دو جستجو کرده و چیدمان چندین الگوریتم رفتاری را در تعریف پدیده هوش و تجمیع و تقسیم آن در تصمیم‌گیری می‌دانند.

علاوه بر این نظریه پردازان الگوریتم‌های رفتاری معتقدند، مهم نیست که منشأ الگوریتم رفتاری، ژنتیکی باشد یا اکتسابی، مهم کشف آن است. پیش‌نیاز این‌که کدهای رفتاری افراد را بتوان رمزگشایی کرد و به‌موقع بتوان بر فضای گفتمانی مذاکره مسلط شد، نیازمند تسلط و یا دانستن چندین علم مختلف است از جمله: آشنایی با مبانی روانشناسی، دانستن اصول جامعه‌شناسی و نیز آشنایی با ایدئولوژی‌های مختلف طرفین مذاکره، تبحر و به‌کارگیری زبان بدن، آناتومی بدن و فرم‌های مختلف دست و انگشتان که در مواجهه با طرف مذاکره شونده می‌تواند مؤثر باشد، و در آخر تسلط بر زبان گفتاری به‌عنوان ابزار انتقال مفاهیم و کاریست نظام واژگانی در مجاب کردن و یا محکوم کردن و یا جهت‌دهی به مذاکرات به نفع قانون عدالت که دانسته است خواست علی ابن ابی‌طالب (ع) در فرایند مذاکرات بوده‌است. البته علاوه بر دانستن این علوم و آگاهی‌های لازم، داشتن تجربه و بودن در میان مردم و معاشرت با آنها نیز رکنی اساسی و انکارناپذیر در کسب و حصول نتیجه است. چون می‌بایست مذاکره‌کننده بتواند اندیشه و احساس مردم و مخاطبان را لمس کند و دغدغه‌های آنها را بداند، تا بر آنها در حین مذاکره مسلط شود. بی‌تردید می‌باید مذاکره‌کننده نسل معاصر را بشناسد و برخلاف جریان اجتماعی، عرف و آموزه‌های فرهنگی حرکت نکند. حتی اگر قصد اصلاح جامعه را نیز دارد باید مطابق اصول آن عمل نماید. کما اینکه امام‌علی (ع) با جامعه‌ای مواجه بود که سالیانی از اساس آموزه‌های قرآنی دور افتاده بودند، و در کنار مؤلفه‌ی تمرد از خلیفه، عادات و خواست‌های دیگری چون خاندان محوری قریش، زیاده‌خواهی عصر والیان سرکش، فتوحات لجام‌گسیخته بی‌حساب، مالیات‌های دهشتناک (خراج و جزیه) بر نیاز به اصلاح ساختاری و فرهنگی افزوده بود.

منطبق بر این تعریف بومی شده در مقاله حاضر، بنیاد این پژوهش بر مبانی روانشناختی اجتماعی و تربیتی نهاده شده‌است که حقیقتاً همه مفاهیم و الگوریتم‌های رفتاری در شخصیت

و منش و عمل امام علی (ع) چه در عصر خلافت و چه پیش از آن قابل ردیابی و تشخیص است. بر مبنای این پیش فرض اثبات‌شده، که همه فضایل علی (ع) هم‌چون نص و وصایت نبوی علم لدنی، هوش و ذکاوت عالی، تربیت در دامان رسول خدا (ص) به‌منزله تربیت اکتسابی، مشق دیدن در مکتب نبوی و آزمون همه داشته‌ها در میدانی عملی جهادی، خلوص نیت و آرمان‌گرایی الهی در عرصه شهروندی و درایت و مدیریت عالی در عرصه شهریاری و خلیفگی، را در الگوریتم رفتاری هم‌رایزی و مذاکرات علی (ع) جستجو و رصد کرد.

۳. چهارچوب مفهومی مذاکره به‌مثابه رفتار سیاسی در سیره علی بن ابی طالب (ع)

همواره تحدید واژگان در حوزه علوم انسانی مهم و راهبردی است و از تداخل مفاهیم می‌کاهد و حصول اهداف پژوهشی را آسان می‌کند. دو واژه مذاکره و سیره که بازنمود آنها در رفتار سیاسی علی (ع) چه در جایگاه شهروندی و چه در مقام شهریاری بسیارند، به‌دلیل کاربست مکرر آن در این مقاله، لزوم تعریف می‌یابند براساس این تعریف عمومی از مذاکره که: گفتگویی دو یا چند جانبه است که با هدف دستیابی به یک درک مشترک، برای رفع اختلافات و یا رسیدن به منفعتی که نتیجه آن گفتگو برای ایجاد توافق میان طرفین متکی بر چانه‌زنی، استدلال و متقاعد ساختن طرف مقابل بینجامد، می‌توان پذیرفت که یکی از رایج‌ترین و عمومی‌ترین ابزار و روش دیپلماتیک مذاکره و گفتگوی طرفین است که ردیابی شاخصه‌ها و مولفه‌های هم‌رایزی و مذاکرات سیاسی در سیره علوی (ع) یکی از اهداف این مقاله است. چنانکه مطالعات مقدماتی نشان داده‌است، یکی از بهترین و کامل‌ترین نمونه‌های عملی حکومت اسلامی، بعد از پیامبر اکرم (ص) دولت علی ابن ابی‌طالب (ع) است که دارای مجموعه غنی از مذاکرات سیاسی و هم‌رایزی‌های فعال دو و یا چند جانبه. حتی خطبه‌ها و نامه‌های مشحون از اندرز بوده‌است. هرچند به ظاهر عمده دولت او در تب و تاب سیاسی مخالفان و آشوب‌های قدرت طلبانه و جنگ خانگی گذشت، اما حضور فعال وی در عرصه‌های مختلف و سخنرانی‌های بلیغ و مکاتبات نغز و اندرزهای پرمغز امام-خلیفه نشان داد، وی شایسته‌ترین فرد برای تسلط بر اریکه خلافت است و تنها کسی است که می‌توانست در آن شرایط ناگوار، چشم فتنه‌گران را برون آورد و جامعه را از لوٹ‌ناکین و قاسطین و مارقین فارغ نماید.

زمانی این شایستگی و بسندگی اجرایی، سیاسی و فرهنگی محرز می‌شود که مواضع تدبیر امور او مشخص و از همه مهمتر سیاست‌های حکمرانی وی از خلال راهبرد مذاکرات و

همرازی‌های راهگشای اومشخص شود. از آنجا که واکاوی مولفه‌های سیاسی و فرهنگی حکمرانی امام در خلال مذاکرات و همرازی‌های سیاسی یکی دیگر از اهداف این مقاله است لذا تبیین امور منجر به مذاکرات هم در خلال این مطالعه مهم می‌نماید.

۴. امام علی (ع) و مسائل عصر حکمرانی

دوره خلافت علی (ع) به سبب بروز بحران‌های داخلی و رویارویی جامعه اسلامی با پدیده جنگ‌های داخلی عصری پر تلاطم و متمایز از دوره‌های گذشته است. همین دوره خاص موجب می‌شود تا ضمن باز شناسی گروه بندی‌های اجتماعی، بتوان به شناسایی رفتارهای بازیگران این عرصه اعم از شهریار و شهروند نیز نائل آمد. گرچه دغدغه این مقاله تبیین جامعه شناختی رفتارهای علی (ع) در مواجهه با بازیگران عرصه سیاست و فرهنگ هم چون قاعدین، ناکثین و قاسطین و مارقین است لیکن بازنمایی رفتارهای علی (ع) با مخالفان و موافقان نیز در این میان مد نظر خواهد بود. مطالعات مقدماتی از مجموعه پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد علی (ع) به مثابه خلیفه ای مقتدر و مسلط به جامعه اسلامی دستکم در مدیریت بحران‌های پیش آمده در کوفه و مدینه با اتخاذ روش‌های منحصر بفرد در تادیب مرتکبان آنمی‌های اجتماعی خوش درخشیده است. مناسبات او با طیف‌های مخالف نشان داد، وی ضمن پاسداشت اصل حفظ جان مسلمانان، نائل شدن به امنیت، صلح و آرامش و رسیدن به عدالت اسلامی را در اولویت دولتش قرار داده بود. با کمی تأمل در بررسی ساختار فرهنگی جامعه اسلامی عصر بعد از خلیفه سوم عثمان بن عفان، به درستی می‌توان دریافت، دولت اسلامی عصر علی (ع) اساساً دولتی آرام برای برقراری همه موازین تمدنی متکی بر قوانین نبوده است، تعدد جنگ‌ها و ناآرامی‌های سیاسی و جبهه‌گیری‌های منفعت‌جویانه در عصر او نشان‌می‌دهد که خلیفه برای دست یافتن به امنیت و عدالت اجتماعی می‌بایست ضمن پایش جامعه برای برون رفت از بحران‌های موجود، از همه ابزارهای فرهنگی برای بازگرداندن اصول اسلامی به حیات اجتماعی آسیب دیده پسا رسول خدا (ص) بهره گیرد. یکی از این ابزارها ایراد خطبه، صدور نامه، بیان موعظه و ارائه پند و اندرز در قالب‌های مختلف بوده است. چنانکه وجود ۲۴۱ خطبه^۱ و ۷۹ نامه^۲ و انبوهی از کلمات قصار^۳ علاوه بر اینکه مؤید ادعای پیشین است، نشان دهنده اهتمام علی (ع) در به‌کارگیری مواضع فرهنگی برای برون رفت از بحران‌های موجود بوده است. هرچند اتخاذ راهبرد جنگ به عنوان رفتاری اجتنابی هم گزینه‌ای قابل قبول در مواجهه حکمران مقتدر در بازگرداندن امنیت به جامعه قلمداد می‌شود. اما بطور کلی وجود این

همه مذاکره و هم‌رایزی و نامه و خطبه دلالت بر مواضع مسالمت‌جویانه علی (ع) دارد. این همه تکاپوی همه جانبه، جملگی انعکاس‌دهنده دیپلماسی فعال وی برای آرام کردن وضع جامعه است در این رفت و آمدهای سیاسی و فرهنگی پرشماری از متون مذاکرات و مکاتبات علی وجود دارد که می‌توان از خلال آن به سیره سیاسی وی در حصول وضعیت مطلوب دست یافت. آنچه از این مجموعه مذاکرات و هم‌رایزی‌ها بر می‌آید اینکه امام از جنگ‌گریزان بود و اتخاذ راهبرد مذاکره به مثابه رهیافت مسالمت‌جویانه برای رسیدن به آرامش و صلح، و امنیت در جامعه بوده‌است. البته از منظر وی رسیدن به این آرامش اجتماعی و امنیت سیاسی نه به هر قیمت بلکه برخاسته از عدالت و حفظ شرافت و کرامت انسانی بوده‌است. این زمانی قابل درک است که بدانیم هیچ‌گاه وی برای پیشبرد اهداف حکومتی و یا فرهنگی - مذهبی‌اش از جنگ به‌عنوان گزینه برون رفت از بحران بهره‌نمسته‌است. او در سه جنگ وسیع داخلی معاصرش، که ارکان اجتماعی جامعه را بهم ریخت نشان داد که گفتگو کلید حل معضلات پیش‌آمده است. هرچند جنگ صفین با دو جنگ جمل و نهروان متفاوت بود، اما اصول علی (ع) کماکان ثابت است.

برای نمونه جنگ جمل و گردهم‌آیی ناکثین از یکسو، صفینی‌ها و فرصت‌طلبان اموی از دیگر سو، جاهلان متعصب و مفسران تنگ‌نظر قشری خارجی (خوارج) هم افزون بر آنان، تئلیت‌شومی از بدفهمی اجتماعی را در جامعه اسلامی نوپا گرفته، ایجاد کردند، که نتیجه آن جز دامن زدن به بحران‌های سیاسی و فرهنگی و بیدار کردن نائره جاهلی پیش‌اسلامی نبود. به نظر هر یک از این تحركات سه‌گانه برای انحراف اجتماعی چون جامعه تازه شکل گرفته مسلمانان حجاز و سرزمین‌های تازه فتح شده چون عراق و یمن کافی بود تا ره انحطاط بپیمایند.

مگر نبود شکل‌گیری جریان قاعدین در بجهوحه جنگ جمل که نشستن و قعود را در برابر خواست علی برای حضور فعال برگزیدند و شمشیر عدالتی را جستجو کردند که میان علی و اصحاب جمل حکمراند. خوارج هم جریان دیگری بودند که ققنوس تحجرشان از خاکستر بدفهمی تجاهل‌گران متعصب سر برآورد و نعره لاحکم‌الله را در حالی سرداد که قرآن‌های بر نیزه از یکسو، تعصب کوردلانه در تفسیر جریان حکمیت از سوی دیگر چشمشان حقیقت طلب را کور و زبان حقیقت‌گو را فرو بسته بود و در این حال، نهروانی از تضاد میان حق و باطل به راه‌انداختند. در این میان آنچه بارز و هویداست تلاش‌های راهبر سیاسی و مذهبی جامعه است که نامه‌های مکرر، گفتگوهای مصلحانه پی در پی، سخنرانی و موعظه‌های پر

نصیحت تلاشی بود برای تنبه و اتخاذ تصمیمی عاقلانه جهت جلوگیری از نزاع و جنگ بی‌حاصل، بر این اساس این مقاله واکاوی نحوه رفتارهای مسالمت‌جویانه امام به‌عنوان خلیفه مسلمانان و امیرمؤمنان از خلال هم‌رایزی‌های فرهنگی و مذاکرات سیاسی است. بی‌تردید این نحوه برون رفت از بحران و ناآرامی، اغتشاش و شورش‌های مقطعی می‌توانست الگوریتمی رفتاری با اتخاذ راهبرد هم‌رایزی و مذاکره را ارائه دهد. گرچه ترسیم تمامی ابعاد شخصیت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی علی (ع) در وجیزه‌ای چون نوشتار مختصر این مقاله محال می‌نماید اما شاید بتوان قطره‌ای از رفتارهای سیاسی امام را آن‌هم به‌گونه‌ای مختصر در خلال این پژوهش ترسیم کرد.

۱.۴ الگوریتم شهروندی و نمودهای مشارکت علی (ع) در جامعه عصر خلفای اسلامی

رحلت پیامبر اکرم (ص) رخدادی خاص و تاثیرگذار بر وضعیت سیاسی جامعه بود زیرا از خلال آن، منطقی سقیفه برای انحصار قدرت در نظام خلافت قدکشید و خط فارقی شد، تا در تقسیم بندی و سوگیری جامعه اسلامی و شکل‌گیری جریان‌های فکری شناخته در صدر اسلام تعیین‌کننده باشد. احیای ارزش‌های جاهلی در گفتمان سقیفه و سر برآوردن نعره‌های قبیله‌ای از حلقوم انصار و مهاجرین و عزلت‌گزینی جریان هاشمی در خانه فاطمه (س) و از همه مهم‌تر خیزش موج جریان رده در سرزمین‌های مجاور حجاز، خطر زوال خورشید تازه دمیده اسلام را دوچندان کرد. کمتر از سه دهه و اندی از رحلت رسول اکرم (ص) نگذشته بود که فرهنگ اشرافی و قبیله‌ای بر منش مسلمانی سبقت گرفته بود، فعالیت فرهنگی و هم‌رایزی‌های سیاسی و مشارکت قضائی علی (ع) در عصر خلفای اسلامی او را در جایگاهی قرار داد که بتواند معیار علم و دانش و تقوا و از همه مهم‌تر قاضی و فقیه و عالمی در طراز خلیفه و امام‌المسلمین و امیرالمومنین باشد.

با نگاهی به کارنامه او می‌توان بدرستی دریافت علی (ع) در شرایط شهروندی شخصیتی مقبول و خدشه‌ناپذیر داشت. احکام و فتاوی و اظهارات و قضاوت‌هایش را همه بی‌چون و چرا می‌پذیرفتند و بر سلامت رفتاری و مرجعیت علمی اش تأکید می‌ورزیدند. خلفای اسلامی اول و دوم از رایزنی با علی (ع) ابائی نداشتند. هم‌رایزی او را بارها پذیرفته بودند و بر ذکاوتش در فقه اقرار کرده بودند. در میان نمونه‌های بسیار آورده اند: هنگامی که خلیفه نخست ابوبکر ابن‌ابی‌قحافه عزم لشکرکشی به مرزهای روم را داشت، از علی علیه‌السلام مشورت گرفت و او فرمود: «إِنْ فَعَلْتَ ظَفَرْتُ؛ اگر دست به این کار بزنی، پیروز می‌شوی». سپس ابوبکر فرمود: نوید

نیک دادی. (الیعقوبی، بی تا: ۱۳۳/۲) و از این رو اقدام را با رایزنی با علی تکمیل کرد. البته چنین رایزنی در خصوص فتح شامات هم در عهد عمر وجود دارد که حاکی از حضور مشارکت گونه علی در عرصه اجتماعی است. (الدینوری، ۱۳۶۸: ۱۳۳) نمونه های پرشماری از قضاوت های علی در دوره عمر وجود دارد که هر یک توانسته بابتی از ابواب فتوای قضاوت گونه را برتابد. (عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۱۰۳/۳) تکرار این عبارت گویا از جانب خلیفه دوم موید این مطلب است او بر بالای منبر بارها گفته بود: «لَوْلَا عَلِيٌّ لَهْلَكَ عُمَرُ؛ اگر علی نبود، عمر هلاک می شد.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۸ / ۱۸۰۳/۳: ۱۹۹۲) خدمات علی (ع) به جامعه اسلامی به مثابه شهروندی ملتزم بر کسی پوشیده نیست. عمده منابع راهنمایی هایی امام در فتح شام، ایران و بیت المقدس را به خلیفه دوم ثبت و ضبط کرده اند؛ به تبع همکاری امام با خلیفه دوم، یاران و اصحاب امام نیز به اشاره او با نظام خلافت همکاری داشتند و نقش قابل توجهی در جنگ های ایران و روم و اداره مناطق فتح شده ایفا نمودند. برای نمونه سلمان فارسی، حاکم مدائن شد، عمار، در جنگ نهاوند نقش قابل توجهی داشت (الدینوری، ۱۳۶۸: ۱۲۹) و به فرمان خلیفه والی کوفه شد (البلاذری، ۱۹۹۶: ۱/۱۸۵ و ابن حجر العسقلانی، ۱۹۹۵: ۴/۴۷۳) مالک اشتر، مأمور مقابله با رومیان بود. (یعقوبی، بی تا: ۲/۲۴ و ۳۷) عبد الله بن مسعود را بر امر قضاء و عمرو بن حنیف را بر خراج کوفه گمارد (الدینوری، همان) در عهد عثمان، اوضاع بسیار متفاوت بود. جناح بندی های قبیله ای پس از شورای شش نفره بخوبی در جامعه اسلامی مشهود بود. گردهم آیی جناح اموی پیرامون عثمان و حمایت های مروان موضوعی نبود که مورخان از آن به راحتی درگذرند. (یعقوبی، بی تا، ۲/۱۶۴ و دینوری، ۱۹۹۰: ۱/۲۸) عزل و نسبهای نسبی، (الطبری، ۱۹۶۷: ۴/۴۲۱) عدول از سنت رسول خدا و سیره شیخین (دینوری، ۱۹۹۰: ۱/۵۰) ضرب و شتم و تبعید صحابه، (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۱۵) انحرافات عمیق فرهنگی و بروز اشکالات اقتصادی، نظم جامعه اسلامی را بهم زد و از همه مهم تر ممانعت امام از انحرافات و مداخلات اجتماعی او خوشایند دستگاه خلافت نبود. در تمام عصر خلفای اسلامی، رویکرد امام در اجرای احکام الهی و رجوع به اصل دیانت اسلامی بود. ماجرای تنبیه قضایی ولید بن عقبه و جاری کردن حد بر او نشان می دهد گاه مداخله مستقیم امام در اجرا و حکم و حدود الهی بسیار جدی بود. (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۲۴) در میان ماجراهای تاریخی رخداد تبعید ابوذر و مشاجرات میان او و خلیفه عثمان از یکسو، سعایت مروان بن حکم در ایجاد نزاع میان خلیفه و علی (ع) از دیگر سو مؤید بی درایتی دربار خلافت در تمسیت امور صحابه است (ابن اعثم، ۱۳۷۲: ۳۲۴) که البته

تصمیمات او در ماجرای ضرب و تبعید عمار و مداخلات علی در فروکش کردن ماجرا بهترین نمونه در تاب آوری سیاسی امام است. (ابن اعثم، همان: ۳۱۵)

در هر حال در کنار مسائل پیش آمد عصر عثمان بن عفان، رشد روزافزون بی‌عدالتی و قدرت یابی جناح اموی سرانجام مرکز خلافت اسلامی را با بحرانی همه‌گیر مواجهه کرد. حضور مصریان (تقفی کوفی، ۱۳۵۳ش: ۱/ ۲۰۶) و کوفیان (الدینوری، ۱۹۹۰: ۱/ ۵۷) و بصریان (ابن طاهر مقدسی، ۱۳۷۴ش: ۲/ ۸۷۱) در مدینه و کم توانی خلیفه در مدیریت اوضاع آشفته دولت اسلامی، خلیفه را در مسند خلافت تهدید به قتل کرد. در این بحبوحه علی (ع) همه توان خود را در آرام کردن مسلمانان معترض بکار بست. شعارها در حمایت از قتل عثمان بالا گرفت. در این میان، گرچه طیف‌های مخالف عثمان از ام‌المؤمنین عایشه همسر رسول خدا (ص) و طلحه و زبیر گرفته تا آحاد انصار و مهاجر، (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱/ ۴۱۴) در زمره موج سواران عصبان و اعتراض در جامعه اسلامی آن روزگار بودند، اما علی (ع) با موضعی مصلحانه تلاش در فروکش کردن ناراضی‌ها داشت. خانه عثمان هم که محاصره شد امام، فرزندش حسن (ع) را برای دفاع از دارالخلافت و جلوگیری از قتل عثمان گماشت (ابن شبه النمری، ۱۹۹۰: ۱۱۳۱/۳-۱۱۳۲) اخبار جراحت و ضرب و شتم امام حسن در دفاع از خلیفه در منابع آمده است (ابن شبه النمری، همان، ۴/ ۱۲۷۵ و ابن الطقطقی، ۱۹۹۷: ۱۰۳)

به هرتقدیر اگر سه ویژگی اساسی برای حیات شهروندی و نه شهر نشینی متصور شویم، سه مولفه اساسی معیار یک شهروند قانون‌مدار است: نخست: تعلق خاطر و وابستگی عاطفی به جامعه دوم: حس مسئولیت در برابر اجتماع و سوم: رابطه حقوقی و احساس حق اجتماعی در جامعه. به نظر علی (ع) در جامعه عصر خلفای اسلامی با تأکید بر نوع مشارکت و حضور فعال او در عرصه‌های قضائی و اجتماعی، شهروندی قانون‌مدار، مسئولیت‌پذیر و محق و البته حق طلب در ایفاد حقوق دیگران بویژه مظلومان بوده است و همه این مجموعه برای او سرمایه‌ای اجتماعی آفرید تا ضمن کسب مقبولیت، مشروعیت لازم را نیز برای احراز مسند خلافت پس از قتل عثمان داشته باشد. این سرمایه اجتماعی افزون بر فضائل پیش گفته از سوی رسول خدا (ص) او را به گونه‌ای در معرض انظار و نیز عامانصار و مهاجران و حتی عجمان (همه غیر عرب) قرار داد که برای نخستین بار پس از رسول خدا (ص) به اتفاق آراء پس از خلیفه سوم با او بیعت کردند و مصرانه از او خواستند تا به امور آشفته جامعه بپردازد و به شیرازه از هم گسیخته خلافت سامان دهد. هرچند زحمت علی (ع) برای ایجاد سازمان و اداره

سرزمین‌های اسلامی کم نبود. اما او نشان داد که نوع مدیریت متمرکز و مستقیم وی ترمیم‌کننده ساختار و آگرای جامعه و اصلاح‌گر سیاست‌های خلفای پیشین خواهد بود.

مواضع امام (ع) درباره خلیفه سوم و اتفاقات منجر به قتل وی نشان می‌دهد، او هرگز به بی‌ساختاری و بی‌نظمی اجتماعی معتقد نبود. بخش عمده‌ای از اطلاعات کتاب مدینه المنوره ابن شبه النمری به موضوع مدیریت بحران عصر خلیفه سوم توسط امام علی (ع) اختصاص دارد. بی‌تردید حمایت‌های علی (ع) و فرزندانش از مسند خلافت مانع از قتل عثمان نشد. بازتاب ناآرامی‌ها و حضور مردم خشمگین و رنجیده از سوءمدیریت و نیز انعکاس اخبار مداخلات علی (ع) برای بازگرداندن آرامش به مدینه در اکثر منابع تاریخی با جزئیات آمده است. حجم بالای گزارش‌های تاریخی و این همه اخبار موجود، حاکی از حضور فعال علی (ع) در عرصه اجتماعی است. گرچه تلاش‌های مصلحت‌جویانه علی (ع) به آرام شدن وضع موجود نینجامید و تلاش‌های صادقانه او در برابر برنامه ریزی لابی اموی در هر دو شاخه سفیانی و مروانی مانع از چرخش مدار قدرت بر اساس خون ریخته شده خلیفه و شعار خونخواهی خلیفه مقتول نشد و سرانجام با برتافتن و زیاده‌خواهی ناکثین و یا قاسطین در صفین مواجهه شد. به هر ترتیب علی (ع) برغم درهم‌کوبیدن مخالفان مدعی نظام خلافت، هنوز تا فرونشاندن هیمنه اشرافیت قبیله‌ای و فرگشت‌های فرهنگی که بر طبل تقار جامعه اسلامی می‌کوبیدند، زمان بسیاری نیاز داشت. چرا که ماجرای قتل عثمان فتنه‌ای عمیق برای قدا فرازی جناح اموی در مسندگزینی نظام خلافت شد؛ پس داعیه خونخواهی عثمان و میراث‌بری خلیفه مقتول دربار نشینان شام را به سوی احراز قدرت تام و تمام در صفین رهنمون کرد. (الدینوری، ۱۳۶۸: ۱۶۲ و البلاذری، ۱۹۹۶: ۶۶/۳)

جامعه اسلامی در فرایند شکل‌گیری نظام‌مند خود بدرستی می‌دانست که تنها راه رهیدن از آشفتگی اجتماعی و سامان‌دهی نظام خلافت، بیعت با علی (ع) است. گفتگوها و مذاکرات صحابه نشان می‌دهد که آنان تنها راه نجات جامعه اسلامی را در بیعت با علی (ع) می‌دیدند. این ادعا هم در خطبه‌های امام (ع) پس از قتل عثمان و هجوم مردم برای بیعت با او قابل اثبات است و هم از تاکید عموم منابع تاریخی در هم‌رایی اهل مدینه برای مجاب کردن علی (ع) در پذیرش خلافت محرز و نمایان است.

۲.۴ الگوریتم ملک‌داری و نمودهای حکومتی امام علی (ع)

تاریخ تحولات جامعه اسلامی پس از قتل خلیفه سوم بیانگر فراز و فرودهای اساسی است که مطالبه‌گری مردم هم بر آنها افزون شده بود. قدرت‌گیری علی و فراز آمدن او بر اریکه قدرت خلافت هر چند کوتاه پر مشکله بود اما شاید قاطعانه بتوان ادعا کرد، این دوره یکی از ادوار مهم تاریخ تحولات جامعه نوپای اسلامی است. بروز سه جنگ فراگیر داخلی عنان ملک‌داری را گسیخته بود و امور جامعه را آشفته و میان مسلمانان نقاری شگرف ایجاد کرده بود. اما علی (ع) نشان دارد مرد میدان است او مدیری شایسته تر از آن بود که در تصور بگنجد. نخستین رفتارهای اجتماعی علی در سامان بخشی به امور ایجاد وحدت میان عناصر و اگرای جامعه با طرح بیعت همگانی یا عامه با خلیفه بود. (الدینوری، ۱۳۶۸: ۱۴۰-۱۴۱) خطبه‌های امام در آغاز خلافت (نهج البلاغه، خطبه ۱۶) و نامه‌های او به فتنه‌گران اموی و فراخواندنشان به صلح و آرامش و پرهیز از فتنه و آشوب مؤید خیرخواهی علی (ع) برای آرام کردن جامعه بود.

نخستین گروه عارض دولت علی (ع) ناکثین بودند. کسانی که در زمزمه نخستین بیعت کنندگان با علی (ع) قرار داشتند. اصرار آنان در پذیرش خلافت توسط علی (ع) در منابع بدرستی مندرج است. اما ظاهراً خواسته‌های آنها در کسب و یا مشارکت در قدرت سرانجام ایشان را به ورطه‌ی مخالفت و شکستن بیعت رهنمون کرد و جماعت معارض را به سوی بصره و راه اندازی منازعه جمل گسیل داشت. (الطبری، ۱۹۶۷: ۴/۴۵۴ - ۵۳۸)

رفتار علی (ع) در بحبوحه نبرد جمل حاکی از هوشمندی، ذکاوت و درایت او در تمشیت امور بحرانی است. چنانکه منابع آورده اند چون اخبار اهل جمل به علی (ع) رسید ابتدا هاشم بن عتبة بن ابی وقاص را به کوفه فرستاد تا مردم کوفه را در این جریان وارد کند و پس از آن فرزندش حسن (ع) را با عمار بن یاسر همراه ساخت تا به کوفه روند. این در حالی بود که ابو موسی اشعری در کوفه در مسجد میان مردم می‌نشست و می‌گفت: ای مردم کوفه از من اطاعت کنید تا پناهگاه اعراب شوید، مظلومان به شما پناه آورند و درماندگان در پناه شما ایمن شوند، ای مردم فتنه چون روی می‌آورد با شک و تردید همراه است و چون می‌گذرد حقیقت آن روشن می‌شود و این فتنه تفرقه‌انداز معلوم نیست از کجا سر چشمه گرفته و به کجا خواهد انجامید، شمشیرهای خود را غلاف کنید و سر نیزه‌های خود را بیرون کشید و زه کمان‌های خود را پاره کنید و در گوشه خانه‌های خود بنشینید؛ ای مردم کسی که در فتنه در خواب باشد بهتر از کسی است که ایستاده باشد و کسی که ایستاده و متوقف است بهتر از کسی است که در آن بدود. (الدینوری، ۱۳۷۱: ۱۸۱) این سخنان آغاز پیدایش جریان مرجئه و قاعدی‌گری در جامعه

تبیین جامعه‌شناختی الگو رفتارها و هم‌رایزی ... (فاطمه جان احمدی و فروزان احمدی) ۳۰۱

اسلامی است. دعوت به بی‌تفاوتی و انفعال و سردرگریان عزلت کشیدن جامعه را چند پاره کرده بود.

هرچند به نظر ورود حسن بن علی (ع) و عمار به کوفه موجبات ختشی کردن سیاست ابوموسی اشعری را فراهم آورد، اما عده ای هم بودند که با پناه جستن به انزوا و بی‌تفاوتی راه خود را از حکومت اسلامی جدا کردند. البته باید متذکر شد، مطابق اسناد موجود حجر بن عدی کندی هم که از بزرگان و فضایی کوفه بود در تهییج و تحریک کوفیان برای مشارکت در فرونهادن جریان ناکتین بسیار موثر بود. (الدینوری، ۱۳۷۱: ۱۸۲)

آنچه مسلم است جنگ جمل بیانگر جنگی داخلی بود که صحنه گردان آن عبدالله بن زبیر از یکسو، جریان اموی از دیگر سو بود. در بحبوحه بالا گرفتن جمل، علی (ع) تلاش فراوانی کرد تا از بروز آن جلو گیری کند. گفتگوها و مذاکرات، هم‌رایزی‌های متعدد طرفی نیست. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: *وَلَقَدْ اسْتَبْتَهُمَا قَبْلَ الْقِتَالِ، وَاسْتَأْتَيْتُ بِهِ مَا إِمَامَ الْوَقَاعِ، فَغَمَطَا النُّعْمَةَ وَ رَدَّا الْعَافِيَةَ* (ابن فارس، ۱۳۸۷: ۶۱۹ و قرشی، ۱۳۷۷: ۱۹۲/۱)، من پیش از جنگ از آنها خواستم تا بازگردند. تا لحظه آخر انتظارشان را کشیدم، اما به نعمت پشت پا زدند و بر سینه عافیت دست رد گذاشتند. امام در ضمن توطئه دانستن واقعه جمل درباره افشاء آن می‌فرماید: *أَنَّهُا حَقِّي رَا مِي طَلْبِنْد كِه خُود تَرَك كَرْدِنْد، وَ اِنْتِقَام خُونِي رَا مِي خَوَاهِنْد كِه خُود رِيخْتِنْد اِكْر شَرِيك أَنَّهُا بُوْدَم، پَس أَنَّهُا نِيْز دَر اَيْن خُونَرِيْزِي سَهْم دَارِنْد، وَ اِكْر تَنَّهُا خُودشَان خُون عَثْمَان رَا رِيخْتِنْد پَس كَيْفَر مَخْصُوص أَنَّهُاسْت مَهْم تَرِيْن دَلِيْل أَنَّهُا بَه زِيَان خُودشَان اسْت. مِي خَوَاهِنْد اَز پِسْتَان مَادَرِي شِيْر بَدُوشِنْد كِه خَشْكِيْدَه، بَدْعَتِي رَا زِنْدَه مِي كِنْنْد كِه مَدْت‌هَآ اسْت مَرْدَه، وَ چَه دَعُوْت كِنْنْدَه‌آي وَ چَه اِجَابْت كِنْنْدگَانِي هَمَانَا مَن بَه كِتَاب خُودَا وَ فَرْمَانَش دَر بَارَه نَاكْتِيْن خَشْنُودَم. اَمَّا اِكْر اَز اَن سَرَبَاز زِنْدِنْد بَا شَمْشِيْر تِيْز پَاسِخ أَنَّهُا رَا خَوَاهِم دَاد، كِه بَرَاي دَرْمَان بَاطِل وَ يَارِي دَادِن حَق كَافِي اسْت. نَهْجِ الْبَلَاغَه (دَشْتِي)، ۶۹*

حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: ... من با ناکتین و قاسطین و مارقین جنگیده و آنها را تار و مار کردم لکن) از ستمگران کمی باقی ماندند که اگر خداوند مهلت گذارد، در این مرتبه که بر آنان می‌تازم دولت و توش و توانشان را خواهم گرفت، همانا ناکتین عهدشکن به‌جهت نارضایتی از حکومت من، به یکدیگر پیوستند و من تا آنجا که برای وحدت اجتماعی شما احساس خطر نکنم صبر خواهم کرد، زیرا اگر برای اجرای مقاصدشان فرصت بیابند، نظام اسلامی متزلزل خواهد شد. آنها از روی حسادت بر کسی که خداوند حکومت را به او بخشیده است به طلب دنیا برخاسته‌اند و امام در برخورد با ادعای طلحه می‌فرماید: به خدا سوگند،

طلحه بن عبیدالله، برای خون خواهی عثمان شورش نکرد، جز اینکه می‌ترسید خون عثمان از او مطالبه شود، چراکه در میان مردم از او حریص تر بر قتل عثمان نمی‌توان یافت. (محمدی ریشه‌ری، ۱۳۷۷: ۷/ ۱۲۰۵۴)

شخصیت‌شناسی و برخورد و مواجهه امام (ع) با بازیگران جمل نشان می‌دهد او مسلط بر روحيات ایشان بود. این موضوع هنگامی قابل فهم است که بتوان در تحلیلی روانشناسانه گفتگوی امام را با عبد الله بن عباس در بحبوحه جنگ جمل تجزیه و تحلیل محتوایی کرد. زمانی که امام عبد الله بن عباس را قبل از وقوع جمل به سوی زبیر فرستاد و فرمود:

«لَا تَلْقَيْنَ طَلْحَةَ فَإِنَّكَ إِن تَلَقْتَهُ تَجِدُهُ كَالثَّوْرِ عَاقِصًا قَرْنُهُ يَرْكَبُ الصَّعْبَ وَيُقُولُ هُوَ الذَّلُولُ وَلَكِنَّ الْقِيَامَ الزُّبَيْرَ فَإِنَّهُ أَلَيْنُ عَرِيكَةٌ فَقُلْ لَهُ يَقُولُ لَكَ ابْنُ خَالِكَ عَرَفْتَنِي بِالْحِجَازِ وَأَنْكَرْتَنِي بِالْعِرَاقِ فَمَا عَدَا مِمَّا بَدَأَ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: خطبه ۳۱/ ۷۴).

با طلحه، دیدار نکن؛ چرا که او را هم چون گاو وحشی می‌یابی که شاخش را تائیده و آماده نبرد است، سوار بر مرکب سرکش می‌شود و می‌گوید رام است. بلکه با زبیر دیدار کن که نرم‌تر است. به او بگو، پسر دایی تو می‌گویی: در حجاز مرا شناختی و در عراق مرا نمی‌شناختی؟ چه شد که از پیمان خود بازگشتی.

امام درباره بانو عایشه و نقش آفرینی وی در ماجرای جمل هم به گونه‌ای شخصیت‌شناسانه و روانکاوانه وارد می‌شود و گاهی او را سرزنش می‌کند (مفید، ۱۳۷۱: ۳۳۶، ۳۳۹). و زمانی هم فرمود:

«أَمَّا فَلَانَةٌ فَأَدْرَكَهَا رَأَى النِّسَاءَ وَضَعْنَ غَلًا فِي صَدْرِهَا كَمِرْجَلِ الْقَيْنِ وَ لَوْ دُعِيَتْ لِنَتَالَ مِنْ غَيْرِي مَا أَتَتْ إِلَيَّ لَمْ تَفْعَلْ وَ لَهَا بَعْدُ حُرْمَتُهَا الْأُولَى وَ الْحِسَابُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: خطبه ۱۵۶/ ۲۱۸)

پس افکار زنانه (احساسات) بر او چیره شد، و کینه‌ها در سینه‌اش چون کوره آهنگری شعله‌ور گردید، اگر از او می‌خواستند آنچه را که بر ضد من انجام داد نسبت به دیگری روا دارد سرباز می‌زد، به هر حال احترام نخست او برقرار است و حسابرسی اعمال او با خدای بزرگ است.

این گفتار علی (ع) نشان می‌دهد که در توصیف صحابه و صحابیات هرگز ره افراط نیپمود. فراست او در شخصیت‌شناسی اطرافیان چنان عمیق بود که می‌توانست بر تحولات بعد از جمل و سایر رخدادها نیز سایه افکند.

تبیین جامعه‌شناختی الگو رفتارها و هم‌رایزی ... (فاطمه جان احمدی و فروزان احمدی) ۳۰۳

افزون بر شخصیت‌شناسی‌های تاریخی علی(ع) می‌توان به مردم‌شناسی و روانشناسی اجتماعی وی نیز رجوع کرد. چنانکه در توصیف وضع و حال مردم بصره و تشریح روانشناسانه اجتماعی آنها در بحبوحه جنگ در خطبه ۱۳ فرمود:

اخلاق شما پست، و پیمان شما از هم گسسته، دین شما دو رویی، و آب آشامیدنی شما شور و ناگوار است. کسی که میان شما زندگی کند به کیفر گناهش گرفتار می‌شود، و آن کس که از شما دوری گزیند مشمول آمرزش پروردگار می‌گردد. گویا مسجد شما را می‌بینم که چون سینه کشتی غرق شده است، که عذاب خدا از بالا و پایین او را احاطه می‌کند، و سرنشینان آن، همه غرق می‌شوند. و در روایتی است: سوگند به خدا، سرزمین شما را آب غرق می‌کند، گویا مسجد شما را می‌نگرم که چون سینه کشتی یا چو نان شتر مرغی که بر سینه خوابیده باشد بر روی آب مانده است. و در روایت دیگر: مانند سینه مرغ روی آب دریا. و در روایت دیگری آمده: خاک شهر شما بد بوترین خاکهاست، از همه جا به آب نزدیک تر و از آسمان دورتر، و نه دهم شر و فساد در شهر شما نهفته است، کسی که در شهر شما باشد گرفتار گناه، و آن که بیرون رود در پناه عفو خداست. گویی شهر شما را می‌نگرم که غرق شده، و آب آن را فرا گرفته. چیزی از آن دیده نمی‌شود، مگر جاهای بلند مسجد، مانند سینه مرغ بر روی امواج آب دریا. (ببینید: نهج البلاغه، ۱: ۴۱۴، ۵۵ و ابن ابی الحدید، ۱/ ۲۵۱)

۳.۴ الگو رفتارهای علی در مدیریت فضای جامعه اسلامی (تقابل قدرت هاشمی و اموی در صفین)

بطور کلی می‌توان فضا را پدیده‌ای سازمان یافته از روابط اجتماعی، در بستری کالبدی تصور کرد که در صور مختلف فرم، عملکرد و معنا تجلی می‌یابد. مدیریت فضا نیز جهت‌دهی و یا به گونه‌ای اشراف عملی به همین روابط عملکردها و رفتارهای اجتماعی است. براین اساس در عهد خلافت علی(ع) مجموعه‌ای از رخدادها بوقوع پیوست که هر یک از آنها مبین بخش مهمی از روابط اجتماعی آن عصر است یکی از این رخدادها واقعه صفین است که می‌تواند یکی از مهمترین و اساسا تاثیرگذارترین رخدادهای تاریخ اسلام بشمار آید. چراکه برای نخستین بار پس از فتح مکه و همه گیر شدن اسلام در حجاز دستکم تا معرکه صفین، دو جناح هاشمی و اموی به عنوان نمایندگان فضای سیاسی و فرهنگی آن عصر در دو صف کاملاً متمایز در برابر هم صف آرایی کردند. در یکسوی این صفوف خلیفه‌ای مشروع قرار داشت و در سوی دیگر والی مخلوع، که آخرین تیر ترکش او برای حصول قدرت و جلوس بر مسند

خلافت؛ حضور در صفین با ادعای خونخواهی عثمان خلیفه مقتول بود. خوانخواهی عثمان بر فضای شکل گرفته از قتل خلیفه بر روابط چند سویه جامعه تاثیر گذاره بود. مجموعه حوادث و انواع مکاتبات علی(ع) و معاویه نشان می دهد، معاویه که خود را در خطر اخراج و خلع از ولایت شام می دید، مدت‌ها برای چنین روزی آماده بوده است. ادعای خونخواهی خلیفه مقتول و سردادن شعارهای جدایی طلبانه ناشی از تلاش های مداوم جناح اموی در شام برای تهییج مردم و رهنمون کردنشان به جنگی تعیین کننده دلالت بر این ادعا است.

در شمار رخدادهای این زمانه، پیوستن عبید الله بن عمر به سپاه معاویه هم در تهییج شامیان برای عزیمت به صفین موثر بوده است. او که حکم قصاص در ماجرای قتل هرمان گرفته بود، پس از فراغت علی(ع) از بحران جمل از خوف تأدیب و قصاص علی(ع) به شام گریخت. در همان بدو ورود به شام، معاویه با هدف بهره گیری از حضور فرزند خلیفه مقتول عمر بن خطاب از عبید الله بن عمر خواست تا میان مردم برخیزد و خون عثمان را بر عهده علی(ع) بگذارد. دینوری در همین مورد می نویسد: لیکن او از این کار خودداری کرد، اما معاویه نخست او را خوار و زبون کرد و سپس او را به خود نزدیک ساخت (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۶۱-۱۶۲). به نظر می رسد حضور عبیدالله بن عمر در شام بر استحکام سپاه او در عزیمت به صفین موثر بوده است.

به هرتقدیر در این جریان جماعت متخاصم اموی در صفی متراکم آمده بودند تا از خلیفه مشروع به بهانه خونخواهی خلیفه مقتول، جواز حکومت را بگیرند. آنچه مسلم است این حادثه و مواجهه اموی و هاشمی آنقدر وسیع و پر دامنه بود که منابع تاریخی نتوانستند از کنار این رخداد به راحتی عبور کنند و نویسندگانی چون نصر بن مزاحم منقری در تصویر کردن آن بدرستی کوشیده اند، اما آنچه می تواند حائز اهمیت باشد سرنوشت این پیکار بود که از درون آن حکمیت و خوارج برون تراویدند.

تاکتیک های رزمی صفین، نیرنگ های حین جنگ هم چون به نیزه کردن قرآن‌ها (نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۱۷۸ خطبه ۱۲۲، شوشتری، ۱۳۷۶: ۵/۱) و یا خدعه های پس از جنگ صفین هم در بازی حکمیت با نقش آفرینی عمرو عاص (نهج البلاغه، صبحی الصالح همان و ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه، ج ۲/ ۲۰۶) و هم مکاتبات معاویه با رجال تاثیر گذار نمایان شد، نشان می دهد امویان برای کسب قدرت به عنوان هدفی نهایی از هر وسیله ای بهره گرفتند. جامعه شناسی و روان شناسی عمرو عاص که استادانه در فریب ساده لوحان سپاه علی(ع) و عوام فریبی و مقدس مآبانی چون خوارج متبخرانه در صحنه حاضر بود، پیروز عاجل صحنه

تبیین جامعه‌شناختی الگو رفتارها و هم‌رایزی ... (فاطمه جان احمدی و فروزان احمدی) ۳۰۵

صفین می‌نمود. چنان که بعد از جریان رخداد صفین علی (ع) در حالی که خوارج را مورد خطاب قرار می‌داد، درباره این نقشه و سیاست دشمن فرمود: *أما رَفَعَهُمُ الْمَصَاحِفَ حَيْلَةً وَ غِيْلَةً - وَ مَكْرًا وَ خَدِيْعَةً نَهَجَ الْبَلَاغَةَ، صَبْحَى الصَّالِحِ، ص ۱۷۸* قرار دادن قرآن‌ها بر سر نیزه‌ها، نیرنگی برای اجرای نقشه شوشتری، ۱۳۷۶: ۷ / ۵۸۳) و کسب قدرت و البته مکانیزمی برای برون رفت از بحران باخت نظامی در برابر علی (ع) بود.

عمر و عاص بدرستی می‌دانست بخشی از سربازان علی خشکه مقدسانی هستند که اعتبار دینی خود را بر کالبد قرآن می‌نهند. پس قرآن برای این جماعت وسیله ای شد تا طومار جنگ را به نفع معاویه درهم پیچند و خوارج ساده اندیشان ظاهرین را به تمکین وادارند. در واقع خیزش این جریان و پدید آمدن این فرقه نتیجه مسلم تاکتیک و سیاست فرهنگی معاویه در بحبوحه جنگ صفین بود.

۴.۴ الگو رفتارهای علی در مواجهه با کج‌فهمان متحجر

بسیاری از مطالعات اسلامی به موضوع خوارج و چگونگی تکوین و یا سرنوشت آنان اختصاص دارد و در عصر حاضر پرشمار مقالاتی درباره خاستگاه آنان و نحوه مواجهه علی (ع) با آنها موجود است. این پرحجمی و تعدد نشان از اهمیت موضوع خوارج دارد. لیکن به نظر می‌رسد عمق و ابعاد رفتارشناسی علی (ع) در رویارویی با ایشان از یکسو، فاجعه خیزش این فرقه و همه گیر شدن جریان فکری آنها از سوی دیگر به‌مراه تداوم این جریان در ادوار مختلف و تاثیرگذاری بر تحولات عصر اموی و عباسیان موضوعی است که هرگز دفتر مطالعات پیرامون خوارج را با رکود مواجهه نکرده است. در میان موضوعات متنوع نحوه مواجهه علی با این جریان نشان داد که علی (ع) آنها را فتنه ای داخلی و بسیار خطرناک می‌دانست. چه تحجر و خشکه مقدسی ناشی از جمود فکری گفتمانی انحرافی در مسیر اعتلای اسلام راستین فراهم می‌کرد. چه این جماعت متحجر و قشری نگر همواره بر قلّه جهل خویش ایستاده و بر ظاهر و پوسته دین اعتماد کرده، ملاک و معیار عمل خویش را همچنان بر تحجر و ظاهر بنیاد نهاده بودند. از این رو برخورد علی (ع) با این جماعت که از فرط سجده پیشانی و زانو ساییده بودند بسان لبه تیغ حرکت کردن بود. به عبارتی شاید مواجهه امام با آنان را بتوان حساس‌ترین برخورد دولت اسلامی با جامعه مسلمانان منحرف دانست. جناح تازه شکل گرفته که در بحبوحه معرکه صفین در سال ۳۷ ق / ۶۵۷ م، به دنبال ماجرای حکمیت پدید آمدند جماعتی از قاریان قرآن با پیشانی‌های پینه بسته و ظاهری بشدت مسلمان بودند که نتیجه حضور آنان

در انداختن بازی حکمیت و تحمیل آن به خلیفه بود. جریانی که بر علیه امام و برای انزوای و انصراف او از ادامه جنگ با شامیان شکل گرفته بود بزودی به جریانی پایدار و متخاصم تبدیل شد و پس از سالیان در قرن دوم موفق به تشکیل دولت اسلامی شد و همواره طی سالهای متمادی نظام خلافت اموی و عباسی را نیز تهدید می کرد. دانسته است که موسسان و طراحان این حرکت که امام آنان را به مارق موصوف می کند، صرفاً به جنبه‌های عبادی و ظاهر دین می پرداختند. کسانی که درک عمیق و درستی از تعالیم اسلام نداشتند. شعار لاحکم الا الله آنان برداشتی ناصواب از حقیقت راهبری و اطاعت از اولی الامر بود. غفلت آنان از ابعاد اجتماعی و باطن شریعت به جهت معکوس حرکت آنان سرعت بخشید نصایح علی، مذاکرات پی در پی، ارسال نمایندگان تام الاختیار به نزد آنان طرفی نبست و سرانجام علی را به مواجهه نظامی سوق داد.

۵.۴ الگورفتارها و راهبردهای امام علی (ع) در تقابل با کژاندیشان و کژکارکردهای اجتماعی

گرچه کژ اندیشی و دشمنی با حکومت اسلامی به مثابه رفتارهای کژکارکردی دارای ابعاد مختلفی است و گاه به راحتی نمی توان مواجهه علی (ع) را با نمایندگان آنان در طی حاکمیتش رهگیری کرد، اما شاید بتوان در چشم اندازی کلی روش برخورد امام علی (ع) با دشمنان و مخالفان و کژاندیشان معاصرش را در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱.۵.۴ راهبرد هدایت و ارشاد

مطابق آموزه های دینی برگرفته از سنت نبوی و علوی، وظیفه اصلی رهبران جامعه اسلامی، تلاش برای هدایت مردم جامعه به سوی خداست. گرچه همواره در این طریق مخالفان و کژاندیشان بگونه ای یکسان در برابر حاکمیت نمی ایستند بلکه گاه با لجاجت، گستاخی فرهنگی بر طبل مخالفت می کوبند، تا جایی که برخی از آنها پا را در مسیر انحراف فراتر نهاده به دشمنی با خدا و رسولش (ص) می پردازند. در این شرایط آیا راهبرد ارشاد و هدایت کافی است؟ سیره رسول خدا (ص) نشان داده است که حتی در شرایط عناد و لجاجت و مخالفت رودر رو، خلیفه و حاکم مسلمان می بایست در هدایت با زبان مدارا بکوشد. رفتارها و راهبردهای رسول خدا (ص) در عصر حاکمیت بر مدینه گواه این مدعاست. هر چند خطبه ها و

تبیین جامعه‌شناختی الگو رفتارها و هم‌رایزنی ... (فاطمه جان احمدی و فروزان احمدی) ۳۰۷

سخنان و اندرزهای علی(ع) هم در نهج البلاغه مشحون از پند و اندرز، رفتارهای مدارا آمیز با مخالفان است.

۲.۵.۴ گفتگو و مذاکره

در میان راهبردهای عمومی، گفتگو شیوه و رفتاری معمول و فراگیر در میان دولتمداران است. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که عمده برخوردهای امام(ع) با مخالفان سیاسی خود متکی بر این روش بود، چنانکه بارها مستقیماً و بدون واسطه با آنان وارد مذاکره می‌شد. در این روش امام می‌توانست مستقیماً سخنان مخالفان را بشنود و از نزدیک در معرض آراء و عقاید و نظرات آنان قرار گیرد. این شیوه می‌توانست به راه‌حل‌های مناسبی برای رفع اختلافات و پاسخگویی مستقیم به درخواست‌های مطالبه‌گران بیانجامد.

۳.۵.۴ ارائه تحلیل و هشدار به موقع

دوران خلافت امام علی(ع) دوره‌ای پر حادثه و بحران خیز بود. کشتی‌رها شده خلافت در عصیبت‌های جاهلی غوطه‌ور بود. شرایط حساس و بحرانی و فضای فتنه‌آلود مدینه تنها با درایت و تبحر در ملکداری، مدیریت می‌شد. تغییر مرکزیت خلافت به کوفه نخستین راهبرد امام در تنش‌زدایی فضای مدینه بود. انذار، هشدار و آگاهی به نزدیکان و خاطر نشان کردن خطر غفلت و نفوذ دشمن، و آموزش هوشیاری و راهکار تبلیغی در توسعه و تعمیق خودمحموری اساس بسیاری از خطبه‌های علی(ع) است. آگاهی بخشی در مقاطع بحرانی و غبار آلود می‌توانست به هدایتگری جامعه منجر شود. راهبرد سیاسی ثمربخش امام علی در جامعه دینی آن روزگار در فضای دوگانه حق و باطل متکی بر آگاهی بخشی نسبت به امور جاری خلافت بود. بر این اساس دشمنان و مخالفان حکومت دینی تحت هشدارها و انذارهای حاکم اسلامی به تعدیل رفتارهای خود می‌پرداختند و دست از لجاجت و کینه‌ورزی برمی‌داشتند.

۴.۵.۴ راهبرد افشاگری

منابع تاریخی درباره رفتارها، منش و شیوه امام علی(ع) در برابر سرسخت‌ترین دشمنانش اطلاعات جسته‌گریخته‌ای ارائه داده‌اند. اما هیچ‌یک از چارچوب عدالت در تصویرسازی علی(ع) فاصله نگرفته‌اند. مطابق گزارش‌های موجود، هیچ‌گاه علی(ع) از مسیر عدالت و انصاف در مواجهه با مخالفان و دشمنانش منحرف نشد. در قاموس رفتاری علی، توهین، فحاشی و ناسزا به دشمن جایی نداشت. این درحالی است که سرسختی او در تنبیه مخالفانی

چون خوارج و اهل صفین بخش مهمی از رفتارهای تنبیه‌گرایانه او را مشخص می‌کند. یکی از این راهبردهای مواجهه با مخالفان، افشاگری است زیرا او می‌دانست جامعه نوپای اسلامی نیازمند روشنگری و تبیین رفتارهای دوگانه ناشی از نفاق است که تنها از طریق آگاه کردن عموم مردم از توطئه‌های دشمن از یکسو، ممانعت از الگو شدگی منحرفان برای نسل‌های جدید از دیگر سو مقدور بوده است.

۵.۵.۴ جداسازی فریب‌خوردگان از طراحان فتنه

همواره در جریان و رخداد‌های پیشامد تاریخی، دو صف و گاهی چند جبهه تاثیرگذار کنار هم صف‌آرایی کرده‌اند. پرشماری فریب‌خورده و معدودی طراح فتنه و آشوب، عده‌ای که با سوار شدن بر موج احساسات عموم مردم و تحریک عواطف و در سایه شعارهای عوام‌فریبانه و نیز با مشوه کردن و یا بحران‌آفرینی در فضای جامعه، سعی می‌کنند اهداف و مقاصد مشخصی را دنبال کنند. بی‌تردید جامعه اسلامی عصر علی (ع) هم از این قاعده مستثنی نبود. تلاش‌های امام (ع) توأم با تیز بینی و فهم عمیق سیاسی، دست‌های پنهان عوامل اصلی و کارگردانان و بازیگران آشوب‌ها و فتنه‌ها را افشا و نمایان می‌کرد. تعدد خطبه‌های امام، پرشماری مکاتبات و حضور دائمی در عرصه اجتماعی او نشان می‌دهد که دغدغه وی در مهار فتنه‌ها و شناخت سرمنشاء بحران‌ها دقیق و کارساز است. وی با توجیه و تفسیر درست قضایا، با کلامی شیوا مردم را از کج فهمی، ابهام و سردرگمی در می‌آورد و صف آنها را که فریب‌خورده بودند از صف برنامه‌ریزان تفرقه و اختلاف جدا می‌کرد (ببینید: بن فارس، ۱۳۸۷) رویکرد تسامحی امام در برابر نادمان و اصلاح‌پذیران متفاوت و مداراجویانه بود. اگر آنها به‌هیچ‌وجه حاضر به برگشت و اصلاح نمی‌شدند و در مقام هرج و مرج خواهی و مبارزه با حکومت اسلامی برمی‌آمدند، طبعاً امام (ع) با قاطعیت و صلابت در مقابله و نبرد با آنها می‌ایستاد. البته مشارکت مردمی هم در کنار علی نشان می‌دهد عمده مردم هم خواهان اصلاح جامعه و تادیب فریب‌خوردگان و سیاستان بودند.

۵. الگو رفتارهای اخلاق‌محورانه امام علی (ع) در مذاکرات و هم‌رایزی

تلاش‌های امام علی در دوران خلافتش همگی رنگ و محتوای فرهنگی اخلاق‌محورانه داشت. رویکردها و راهبرد‌های امام در تمام دوره خلافتش نشان می‌دهد او هرگز از مدار عدالت و تقوا خارج نشد. بازخوانی تاریخی درگیری جامعه اسلامی در سه جنگ متفاوت

جمل، صفین و نهروان موید آن است که نخست اینکه همواره امام از شروع جنگ پرهیز داشت. دوم اینکه همه کسان در معرض خلافتش مصون بودند امنیت اساس خلافتش بود. اسیران و شکست خوردگان از جنگ، زنان و کودکان و حتی قاصدان و پیام‌آوران جماعت متخاصم در دولتش امنیت داشتند. همین منش او صفت جوانمردی و عیاری را بدو بخشید. خوش رفتاری با اسرا، و بازماندگان از جنگ و دلجویی از آسیب دیدگان مجموعه‌ای از رفتارهای مدیریت شده خلیفه را به تصویر می‌کشند. با نگاهی گذرا به منش نظامی امام و فرامین وی در بحبوحه سه جنگ مهم عصرش می‌توان بخش مهمی از شخصیت اخلاقی متکی بر آموزه‌های نبوی و قرآنی او را درافت وقتی فرمود «مبادا جنگ را آغاز کنید، زخمی را بکشید، یا فراری را تعقیب کرده و اموالی را غارت کنید». (مسعودی، ۱۳۶۵: ۷۱۹/۲) او بارها بر این راهبرد در جنگ تاکید کرده بود، که فراریان را تعقیب نکنند، هیچ زخمی را نکشند، اسیران را به قتل نرسانند، او فرمان داده بود تا هرکس در خانه‌اش را ببندد در امان است، هرکس سلاحش را بر روی زمین قرار داد در امان است (الدینوری، ۱۳۷۱: ۱۸۸). این همه رفتارها و اقوال انسان متعالی در منش رسول خدا بویژه در هنگامه فتح مکه متجلی است. وی راه نیست که رسول خدا(ص) در ترسیم الگو رفتارهای علی و شیعیانش موثر بوده است.

عفو عمومی، (ابن الاثیر، ۱۳۸۵: ۳/۳۵۵ نهج البلاغه، ۱۴۱۴: نامه ۲۹) امان دادن به اسیران و پناهندگان، عدم تصاحب اموال شکست خوردگان به‌عنوان غنیمت جنگی، (الدینوری، ۱۳۷۱: ۱۸۸) جلوگیری از به‌کنیزی گرفتن زنان سیاست‌تشنج‌زدایی، بکارگیری نخبگان و قائل بودن به شایسته‌سالاری، و دوری از قوم‌گزینی و تعصبات خاندانی و از همه مهم‌تر مدارا با همه آحاد فریب‌خورده و بخشش و عفو عمومی از رفتارهای و کنش‌های اجتماعی علی بن ابی‌طالب است که مجموعه الگو رفتارهای او را تشکیل می‌دهند.

۶. نتایج تحقیق

مطالعات نشان داد در کنار شخصیت والای امیرالمومنین که سراسر حلم و علم و مدارا و بزرگ‌منشی و در عین حال استقامت بر سر اصول معرفتی و مقاوم در برابر هر گونه گزخواهی اجتماعی بود. بازگرداندن حیات تمدنی مسلمانان به اصل آن و نیز زدودن انحرافات، و قلع و قمع ظلم و ارتشاء و خود زیاده‌بینی‌های صحابه و امحاء فخرفروشی قبیله‌ای با رویکردهای مفسرانه به قرآن، قانونگذار برای پیشگیری از وقوع جرایم اجتماعی در سرزمین‌های مفتوحه با فراخوان کارگزاران و یا ارسال فرماندهان اصلح برای برقراری و حفظ نظم و امنیت، وضع

مجازات های سنگین برای خروج کنندگان از دین، برخورد قاطع با کارگزاران خاطی و از همه مهمتر ساماندهی به وضعیت اقتصادی جامعه آشفته پس از قتل خلیفه سوم همگی می توانست الگورفتارهایی برای جوامع مسلمان بویژه شیعیان او باشد. بررسی های تاریخی نشان داد الگورفتارهای علی بن ابی طالب به عنوان سرمشق حیات سیاسی می توانست زیرساخت تمدن شیعی را فراهم آورد. مشکلات علی (ع) و دولتش مشکلاتی از جنس سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بود. تنوع و پیچیدگی درون سازمانی و درون تمدنی عصر امیرالمؤمنین و رویکردها و راهبردهای سیاسی و فرهنگی و نظامی و اقتصادی برای بهبود وضعیت مرکز خلافت اسلامی یعنی کوفه (عراق) و مراکز وابسته چون حجاز (مکه و مدینه) دمشق و مصر و سایر سرزمین های اسلامی می تواند الگویی شناخته شده و مجرب در حل بحران های اجتماعی بشمار آید. این الگو رفتارها و منش های اخلاق محورانه با محتوای قرآنی و متکی بر سنت نبوی عصر علی ابن ابی طالب را با دیگر ادوار متمایز ساخت.

پی نوشت‌ها

۱. قبل از حکومت، (مانند خطبه‌های ۶۷۵ تا ۱۳۹ و... در هنگام خلافت، مانند خطبه‌های ۱۲۳ تا ۱۶۱۵ و... بعد از خلافت، مانند خطبه‌های ۲۰ تا ۲۱، ۲۷ تا ۱۰۵، ۴۷ تا ۱۰۸ و... نهج البلاغه
۲. عمده این نامه ها در عصر خلافت امام نوشته و صادر شده است.
۳. یا قصار الحکم که شامل ۴۸۰ کلمه است و از حیث موضوعات بسیار متنوع اند.

کتاب‌نامه

- ابن الاثیر، ابوالحسن علی (۱۳۸۵) الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر.
- ابن اعثم کوفی، (۱۳۷۲ش) الفتوح ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی (ق ۶)، تحقیق غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ق) شرح نهج البلاغه، قم، منشورات مکتب آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، (۱۹۹۵م) الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، ط الأولى.
- ابن خلدون، عبد الرحمن (۱۳۷۵ش) مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ هشتم.
- ابن خیاط، خلیفه، (۱۴۰۵) تاریخ تحقیق: اکرم ضیاء العمری، ریاض.

تبیین جامعه‌شناختی الگو رفتارها و هم‌رایزنی ... (فاطمه جان احمدی و فروزان احمدی) ۳۱۱

- ابن سعد، محمد، (۱۴۰۵) طبقات الكبرى، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب: ج ۲، قم: علامه، ۱۳۷۹ق
- ابن عبدربه، (۱۳۷۳) العقد الفرید، تحقیق محمد سعید العریان، بیروت، دارالفکر.
- ابن عبد البر، أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد، (۱۹۹۲م) الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ط الأولى.
- ابن فارس، احمد؛ ترتیب مقابیس الله؛ ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۷
- ابن الطقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، (۱۹۹۷) الفخری فی الأدب السلطانیة و الدول الاسلامیة، تحقیق عبد القادر محمد مایو، بیروت، دار القلم العربی، ط الأولى.
- اخوان، کاظمی، (۱۳۸۱) آرمان‌های حکومت از دیدگاه امام‌علی (ع) در حکومت علوی، هدف‌ها و مسئولیت‌ها، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان.
- اشپولر، برتولد (۱۳۶۴) تاریخ ایران در دوره اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- البلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۹۷) انساب الاشراف، تحقیق العلامه الشیخ محمدباقر المحمودی، بیروت.
- البلاذری، أحمد بن یحیی (۱۹۹۶م) کتاب جمل من انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ط الأولى.
- تقفی کوفی ابو اسحاق ابراهیم بن محمد (۱۳۵۳ش)، الغارات، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی؛
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۲) تاریخ سیاسی اسلام (تاریخ خلفاء)، قم، انتشارات دلیل ما، حسینی، کمال؛ (۱۳۸۶) دشمن شناسی از دیدگاه قرآن؛ تهران: ناشر لوح محفوظ، چاپ اول، حلبی، علی بن برهان‌الدین (۱۴۰۷) انسان العیون فی سیره الامین المامون، بیروت، المكتبة الاسلامیة.
- خاتمی، احمد؛ دشمن شناسی از دیدگاه امام‌علی (ع)؛ پاسدار اسلام، شماره ۱۲۴.
- داوری، تقی‌زاده، (۱۳۸۷) تصویر خانواده پیامبر (ص) در دایره المعارف اسلام.
- الدینوری، ابن قتیبة أبو محمد عبد الله بن مسلم (۱۹۹۰) الإمامة و السياسة المعروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ط الأولى،
- الدینوری، ابو حنیفه احمد بن داود، (۱۳۶۸ش) الأخبار الطوال، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی.
- دینوری ابو حنیفه احمد بن داود (۱۳۷۱ش) اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، چ چهارم،
- دانشگر، احمد؛ (۱۳۷۷) پروین اعتصامی، شاعره ای از تبار روشنی‌ها؛ چاپ دوم،

۳۱۲ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۱۴) تاریخ اسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی.
رحمت؛ دهشیری، حسن؛ دشمن شناسی از دیدگاه قرآن؛ دفتر انتشارات اسلامی چاپ دوم، ۱۳۸۳.
رضوی نجفیان، لیلا (۱۳۹۹) حفظ اتحاد و صلح جویی، محور عملکرد امام علی (ع) در رخداد‌های پیرامون جنگ جمل، مجله شیعه‌شناسی، چهار شماره ۶۹.
سرافراز، علی، (۱۳۹۷) مناسبات حضرت علی (ع) با زبیر بن عوام در عصر خلفای راشدین (از سقیفه تا جمل) تاریخ نامه خوارزمی، بهار شماره ۲۱.
شوشتری، محمد تقی، (۱۳۷۶) بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر چاپ: اول، ۱۴ جلد
الطبری، أبو جعفر محمد بن جریر، (۱۹۶۷) تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث،
فیض الاسلام، علی نقی، نهج البلاغه، تهران، بی تا
قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷) علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، و بکائی، محمد حسن.. مفردات نهج البلاغه. ۲ ج. تهران ایران: مرکز فرهنگی نشر قبله.
الکان دهلوی (۱۳۹۱) حیات الصحابه، حلب، دارالوعی.
صفائی حائری عباس، (۱۳۷۸ ش) تاریخ امیرالمؤمنین، جمکران، قم،
مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۳۷۱) الجمل، تحقیق علی میر شریفی، مکتب الاسلام اسلامی.
مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۱۳۵۸) مروج الذهب و معادن الجوهر، بیروت، دارالاندلس، الطبعه الاولى.
مسعودی، مروج الذهب، علی بن حسین، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، علمی فرهنگی، تهران، چ ۳، ۱۳۶۵ ش.
محمدی ری شهری، محمد؛ (۱۳۷۷) میزان الحکمه؛ قم، دارالحدیث، ۱۵ ج؛
مطهری، مرتضی؛ جاذبه و دافعه علی (ع)، انتشارات صدرا، چاپ نوزدهم، پاییز ۱۳۷۴
مقدسی، مطهر ابن طاهر، (۱۳۷۴ ش) آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه، چ اول.
مفید، محمد بن نعمان؛ الارشاد؛ مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: لبنان، چاپ سوم، ۱۳۹۹ ه. ق
نهج البلاغه، گرد آوری شریف الرضی (۱۴۱۴ ه. ق)، محمد بن حسین، تصحیح و تنظیم: صبحی صالح، قم، مؤسسه دار الهجرة .
نهج البلاغه، (1395) گرد آوری شریف الرضی، محمد بن حسین، مترجم: محمد دشتی، قم، نشر یاسین نور،
الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب واضح الکاتب العباسی، (بی تا) تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا.